



دوشنبه‌نوشت
محمدتقی فہیم |منتقد

سندرم دنیای کثیف در شبکه نمایش خانگی



«سندرم دنیای کثیف» اصطلاحی است که یک جامعه‌شناس در دهه ۷۰ میلادی ابداع کرد. گرینر، جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است برنامه‌های تولیدی تلویزیون با نمایش اغراق‌آمیز تباهی و تاریکی همچون خشونت، قتل، خیانت و چسبیدن به ابعاد تاریک زندگی، باعث برداشت اشتباه و غلط مردم، از واقعیت‌های جامعه می‌شوند و آنها را به سندرم دنیای کثیف مبتلا می‌کنند. بنابراین اگر از طرفداران شبکه نمایش خانگی باشید احتمالا بدون این که خودتان متوجه شده باشید با دیدن برخی آثار، به سندرم دنیای کثیف مبتلا شده‌اید. در چند سال اخیر این شبکه با نمایش بی‌پروای خشونت و قتل و خیانت، شما را نسبت به جهان پیرامون‌تان بدبین کرده است. البته این تمام ماجرا نیست، برخی سلب‌ریتی‌ها نیز از آن سوی میدان بازی‌های کم‌کی این نوع نگرش هستند و با مصاحبه‌های عجیب و غریب با استوری‌های ناامیدکننده همه چیز را در معرض شکنجگی، نابودی و تباهی به تصویر می‌کشند. مثلا اگر دنبال‌کننده خبرهای سینمایی/اجتماعی باشید حتما چند روز قبل شاهد ویدئویی از اکبر عبدی در فضای مجازی و برخی رسانه‌های دیگر بوده‌اید که ایشان در میزانشن ولحنی ترجمه‌برانگیز از حقوق بازنشستگی‌اش می‌گفت. متعاقب گسترده این خبر ویدئویی، همسر اکبر عبدی بود که این اقدام شوهرش را باعث هتک آبروی خانوادگی‌شان بشمرده. واقعا کافی است رفتارها و مصاحبه‌های عبدی را دنبال کنید، در ورای رفتارهای به ظاهر شوخ و شنگ، او شما را مبتلا به سندرم دنیای کثیف خواهد کرد. همین مصاحبه اخیرش درباره حقوق بازنشستگی‌اش (با گزینش آن کلمات پرسوز و گدازد...) نمونه‌ای از این دیدگاه است. دقت کنید که من نگارنده هیچ مخالفتی با اعتراض‌های استیضایی حقوق صنفی ندارم و برعکس معتقدم فشارهای معیشتی حق هنرمندان مانیست و نباید این وضعیت ادامه داشته باشد، پس موضوع عمیق‌تر و گسترده‌تر از این حرف‌هاست. این‌که سلب‌ریتی‌های ما وقتی می‌خواهند اعتراض صنفی یا کمک به فقرا کنند، چنان تصویرهای زشتی را در ذهن مخاطب می‌کارند که مخاطب را دچار حالت «نیک» و تهوع می‌کنند، موضوع و مسأله این قلم است. حتی از همه بدتر، امید و شور زندگی را با کلمات زشت و تاریک از ما می‌گیرند چرا که امید گاهی تنها بضاعت انسان است. برای نمونه به یکی از فیلم‌های اشاره می‌کنم که درباره امید ساخته شده است، یعنی فیلم رستگاری در شائوشنگ که با وجود فضا و رویکردهای احساساتی‌اش فیلمی در ستایش امید است. آن هم وقتی می‌دانیم که امید از جمله پیام داستان‌های خادوند در قرآن‌کریم است. خادوند در سوره مبارکه یوسف (ع) از زیان یعقوب، انسان را به عدم یأس و امیدواری فرامی‌خواند: «ای پسران من بروید و یوسف و برادرش را جست وجو کنید و از رحمت خدا نومید نباشید زیرا جز کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود». بنابراین زیبنده مسلمان نیست که مسلمانی را ناامید کند. اساسا امیدواری و امیدسازی با اصل و اساس اعتراض و مبارزه منافاتی ندارد. البته شاید نیت افرادی مانند اکبر عبدی از این‌گونه رفتارند و کردار خیر باشد (که هست) اما چه فرقی می‌کند وقتی در عمل و گفتار، ویران‌گرند. برگردیم به گرینر. گرچه نظریه‌ایشان مبتنی بر خشونت و قتل است اما به نظر من کاشتن بذر ناامیدی و حس فلاکت هم نوعی خشونت است، از همین رو نمی‌توان آن را در زمینه مورد بحث نادیده گرفت. دقت کنید وقتی مردم دنیا را کثیف ببینند، باعث بی‌اعتمادی به همدیگر می‌شود و منفعت‌طلبی و کاسب‌کاری را ترویج می‌دهد. خلاصه ممکن است در رابطه با سندرم دنیای کثیف مخاطب بگوید دنیای امروز بر از جنگ و خونریزی است، بنابراین کثیف است!

فروش سینما

۱۲۰۰ میلیاردی شد

فروش سینمای ایران در هفته گذشته با کاهش شش میلیارد تومانی مواجه شد و به ۴۴ میلیارد و ۶۵۷ میلیون تومان رسید. فیلم «زودپز» به کارگردانی رامبد جوان، از ۱۷ مهر اکران شده، بار دیگر با فروش ۳۰ میلیارد و ۳۷۶ میلیون تومانی در صدر جدول فروش قرار گرفت. این فیلم از ابتدا تاکنون جایگاه خود را حفظ کرده و به نظر می‌رسد به راحتی آن را از دست داد. در جایگاه دوم،

انیمیشن «بیعی قهرمان» با فروش شش میلیارد و ۴۲۸ میلیون تومان قرار دارد. این انیمیشن که از چهارم مهر اکران شده، با کاهش محدود مخاطب، به اکران خود ادامه می‌دهد. همچنین، فیلم «مفت‌بر» به کارگردانی عادل تبریزی با فروش یک میلیارد و ۵۷۴ میلیون تومان به جایگاه سوم صعود کرده است. «پول و پارتی» به کارگردانی سعید سهیلی نیز با ۲۷ هزار و ۶۰۸ مخاطب در جایگاه



تعریف عشق در دنیا‌های موازی

بهروز شعبی در کارگردانی فیلم «آغوش باز» دست به ریسک زده تا هم مخاطب عامه‌پسند و هم سینما‌روهای جدی را راضی نگه دارد

ممکن است در لحظاتی پرداخت روایی و بصری را از آنچه فیلمساز به آن عقیده دارد، دور کرده باشد، اما اساس طراحی روایی متفاوت این سه داستان درست و حساب‌شده است و به مخاطبش در مواجهه با سه دنیای خاص و متفاوت کمک می‌کند.

روایتی برای همه مخاطبان

واضح است که بهروز شعبی به‌عنوان فیلمسازی که حسن درونی شخصیت‌های آثارش، خودشان و دنیای اطراف‌شان را می‌سازد، تمرکز بیشتری روی فضای مربوط به زندگی مهوش و مصطفی به‌عنوان زوج‌های عاشق قدیمی‌داشته و ساختار کلی اثر هم به گونه‌ای شکل گرفته‌که فیلمساز در پرداختن به زندگی امروز این زوج دست بازتری برای به نمایش گذاشتن دلمشغولی‌های خودش داشته است. نگاه موازی به تلاش دکتر مصطفی برای تداوم زیست عاشقانه

با زنی که سعی می‌کند او را به جریان زندگی امروز بازگرداند و دغدغه‌های پیام، خواننده سرشناس پاپ برای باقی‌ماندن در اوج از یک سو و حفظ ارتباط عاطفی در زندگی شخصی از سوی دیگر و دست‌آخر دست‌وپا زدن‌های یک تهیه‌کننده جوان کنسرت برای حفظ عشقی که پایه‌هایش روی وعده‌هایی برای کسب درآمد بیشتر و زندگی سعادتمند در آن سوی مرزها بنا شده، می‌خواهد به یک نتیجه اخلاقی برسد و احترام‌گذاشتن به عشق‌های واقعی اصل و عمیق را ناجی رابطه‌ها معرفی کند. فیلم ظاهرا در انتقال این پیام به مخاطبانی که از چنین فیلمی توقع فلسفه‌بافی ندارند، موفق است و قصه آدم‌هایش را ساده و سراسر تعریف می‌کند و پایان

برش

فیلمسازی با ریسک‌پذیری بالا

«آغوش باز» در کارنامه بهروز شعبی اثری متفاوت است و نشان از ریسک‌پذیری بالای فیلمساز در پرداختن به گونه‌ها و شیوه‌های مختلف فیلمسازی در عرصه سینمای حرفه‌ای دارد. او با دستمایه قرار دادن اتفاقات پشت پرده برگزاری یک



خوشی را هم برایشان رقم می‌زند، اما به گمان نگارنده این نتیجه‌گیری صرفا در جهت ثبت اثر در کارنامه سینمایی فردی که دغدغه‌اش قصه‌گویی صرف و قرار دادن شخصیت‌ها در موقعیت‌های آشنا و شناخته‌شده است، کاربرد دارد. اگرچه آغوش باز ظاهرا قرار بوده حرف و پرداخت پیچیده و غامضی نداشته باشد و در پایان، مخاطبانش را متقاعد و حال‌شان را خوب کند، اما طرح روایتی که فیلمنامه به‌نوع کارگردانی اثر دارد، آشکارا فیلم را در مسیری قرار می‌دهد که هم رضایت مخاطبان سهل‌پسندش را جلب کند و هم تماشاگران جدی‌تر که دغدغه‌هایی برای کشف عمق رابطه‌ها به‌ویژه در فرازوتشیب‌های زندگی عاشقانه دارند، دست خالی از سالن سینما بیرون نفرستد.

طعم شیرین عشق

گام اول فیلمساز برای رسیدن به چنین هدفی ایجاد امکان مقایسه بین سه دیاست: دنیایی با ضرایهنگی آرام که شخصیت‌هایش در نزدیکی‌های خط پایان یک زندگی لطیف و عاشقانه هستند، اما

پرچم تسلیم را بالا نیاورده‌اند و دست‌کم یکی از آنها که هنوز هم خاطرات عزیز گذشته را به یاد می‌آورد، با بازآفرینی لحظه‌ها و خاطره‌ها سعی می‌کند همراه

سالیانش را بار دیگر با طعم شیرین عشق که هنوز هم چیزهایی از آن در ذهن او باقی مانده، آشنا کند.

فراز و فرود داستانی به مثابه جذابیت روایی

آغوش باز با اجرای تمرینی پیام و تنش‌های بین شخصیت‌های پشت صحنه آغاز می‌شود و تصویری

کسرت با حضور خواننده‌ای سرشناس، فضایی برای بازتعریف مفهوم عشق در دو فضای متفاوت ایجاد می‌کند؛ یکی آرام و لطیف و امیل و دیگری به ضرورت حضور در متن فرازوتشیب‌های زندگی امروزی، بربرخورد و استرس‌آفرین. قضاوت نهایی هم به عهده مخاطبی است که همراه غم و شادی شخصیت‌ها با روایت موازی فیلمنامه‌نویس و فیلمساز جلو می‌رود و می‌تواند خودش هم پایان‌مورد

نظرش را برای شخصیت‌ها رقم بزند.

عاشقانه امیل؛ انتخاب اصلی فیلمساز

از بین سه موقعیتی که در متن آغوش باز ایجاد شده، ارتباط عاشقانه قدیمی اصیل و امتحان پس داده مصطفی و مهوش که حالا پس از گذشت سالیان به کوششی برای زنده‌ماندن با تصویرهای آشنای گذشته و حال تبدیل شده و هنوز هم به مرد عاشق انرژی می‌بخشد، به‌طور طبیعی و با

شناختی که از بهروز شعبی داریم، سهم بیشتری از فضای ذهنی فیلمساز را اشغال کرده و آشکارا قوی‌تر و تأثیرگذارتر از فرجام دو موقعیت دیگر از کار درآمد؛ نه به این خاطر که کلید حل مشکلات پیام را هم باید در همین موقعیت جست‌وجو کرد، بلکه بیشتر به این دلیل که ورود

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و وابستگی فراوان‌شان به وعده‌هایی که اساسی غیر از کسب درآمد بیشتر ندارد، فرجامی دور از انتظار را برای آنان رقم نمی‌زند.

بازی‌ها؛ ششم اسفندپار اثر

به جز مهدی هاشمی و احترام برومند که مانند همیشه با درک درست نقش‌هایشان بازی‌های خوب و قابل قبولی ارائه داده‌اند، اغلب بازیگران اثر با در حوالی کلیشه‌های همیشگی‌شان باقی مانده‌اند یا اگر هم نقش متفاوتی بازی کرده‌اند - به‌طور مشخص حامد کمیلی - با ارائه بازی خوب و

پذیرفتنی فاصله داشته‌اند. به نظر می‌رسد سطح بازی‌ها در فیلم جدید بهروز شعبی در قطع ارتباط برخی مخاطبان جدی‌تر فیلم با کلیت اثر بی‌تأثیر نبوده است. بازی‌ها در فیلم جدید شعبی به نوعی پاشنه‌آمیال اثر است و نشان می‌دهد که احتمالا فیلمساز در این مورد خاص به همه آنچه مدنظرش بوده، دسترسی نداشته است.

سهم محدود روایت برای منطق پایان‌بندی

بدون تردید تأمل بیشتر شعبی روی موضوع پیام و همسرش می‌توانست بستر منطقی‌تری را برای پایان خوش اثر ایجاد کند. طرح موضوع هنر همسر پیام در ساختن دستبند، نوعی تلاش برای پرداختن به ابعاد دیگری از مشکلات زیستی پیام و همسرش و نقبی به تنهایی آدم‌ها در نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی است. این اشاره غیرمستقیم، به‌ویژه در رفتار پیام و فرزندانش می‌توانست ابعاد دیگری از این معضل اجتماعی را پیش‌روی مخاطب قرار دهد؛ بدون آن‌که فیلمساز بخواهد بیشتر از ظرفیت‌های فیلم به موضوع مافیای موسیقی و شخصیتی همچون «سیاهرنگ» بپردازد. البته حضور کوتاه اما مؤثر و برون‌گرایی حسن معجونی در متن اثر، اشاره‌ای کوتاه و بسنده به نقش عوامل بیرون از صحنه در رخ‌دادن اتفاقاتی است که می‌تواند سرنوشت شخصیت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

صلح پسروصادی روایت

سومین موقعیت عاطفی که در فیلم طرح شده و به سرانجام می‌رسد، ارتباط بین هومن و نامزدش شادی است که بیش از دو رابطه دیگر، نمایشی و پسروصدا از کار درآمده و به همین نسبت هم شکننده‌تر است. حرکت هر دو شخصیت در سطح وقایع زندگی‌شان و